



# بلاغت کاربردى (۱)

## درس ۲۶

### فصل دوم: «حذف مند»

استاد: سرکار خانم فرخى

آموزشيار: حسن شم آبادى

یکی از مباحث مهم بلاغت مواردی است که بعضی از اجزاء کلام حذف می‌شوند. یکی از اجزاء مهم کلام که زیاد حذف می‌شود مسند است. با فراگیری عمیق این درس شما دانش پژوه محترم قادر خواهید بود موارد بلیغ بودن و مطابق بودن کلام با مقتضای حال را بهتر بشناسید و همچنین در مباحث نحوی بهتر بتوانید ترکیب جمله و نقش کلمات را مشخص کنید. آموختن این درس در فهم آیات قرآن نیز نقش به‌سزایی دارد. آنچه در این درس فرا خواهید گرفت علوتند از: شرایط جواز حذف مسند، مواردی که مسند زیاد حذف می‌شود و انگیزه‌های حذف مسند.

## فصل دوم: «حذف مسند»

### هدف این فصل:

بعد از بررسی این فصل، قادر خواهید بود به سوالات زیر جواب دهید:

۱. شرایط حذف مسند چیست؟
۲. در کدام موارد، مسند زیاد حذف می‌شود؟
۳. در کدام قسمت جمله، محذوفی مقدّر می‌شود، و لفظ مخذوف که مقدّر می‌شود کدام است و به کدام مقدار در تقدیرش اکتفا می‌شود؟
۴. چگونه محذوف در موارد تردید و شک، معین و مشخص می‌شود؟
۵. انگیزه‌ها و علت‌های حذف مسند چیست، و موقعیت‌هایی که اقتضای حذف مسند را می‌کند کدام است؟

### آیاتی برای تأمل

با دقت در آیات زیر موارد حذف مسند را مشخص نمایید؛ سپس تأمل کنید که چرا مسند حذف شده است و اینکه محذوف چیست؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها فصلی را که می‌آید به دقت مطالعه کرده و بفهمید:

۱. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
۲. وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا<sup>۱</sup>
۳. وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُخْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ تَتَكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ<sup>۲</sup>
۴. وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ<sup>۳</sup>
۵. يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا<sup>۴</sup>

### الف- شرایط جواز حذف مسند:

گاهی حذف مسند، لازم است، و از آن بحثی به میان نمی‌آوردیم. (به کتاب‌های نحوی مراجعه کنید) و گاهی نیز حذف مسند، جایز است، که شرایط آن عبارتند از:

#### ۱. وجود قرینه؛

الف) قرینه‌ی حالیه؛ همان طور که در گفتار فرستاده شدگان از سوی خدای متعال آمده است:

«وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ قَالُوا سَلَامًا»<sup>۵</sup> یعنی سَلَمْنَا سَلَامًا.

<sup>۱</sup> نور، ۲۱.

<sup>۲</sup> توبه، ۳۴-۳۵.

<sup>۳</sup> توبه، ۶.

<sup>۴</sup> انسان، ۳۱.

<sup>۵</sup> هود، ۶۱.

ب- قرنیة مقالیه؛ مانند: « وَ قِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا<sup>۱</sup> ». یعنی آنزل خیراً.

ج- قرنیة صناعیه؛ این مورد را نحوی ه با توجه به قواعد نحوی و ترکیب جمله می شناسند؛ مانند جایی که خبر بدون مبتدا، یا مبتدا بدون خبر یا شرط بدون جزاء، یا جزاء بدون شرط یا معطوف بدون معطوف علیه یا معمول بدون عامل آمده باشد؛ مانند: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ<sup>۲</sup>» یعنی «ولكن كان رسول الله» این مطلب به خاطر این است که «لكن» بعد از «واو» ابتدائیه قرار گرفته است و آن تنها بر جمله داخل می شود، پس آنچه با منسوب بودن «رسول الله» تناسب دارد مقدر بودن «كان» همراه اسم آن است مانند : «وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ<sup>۳</sup>».

۲- حذف مسند به کوتاه کردن کلام مختصر منجر نشود؛ زیرا جمله نامفهوم می شود؛ مثلاً اگر در عبارتی اسم فعل بدون معمولش حذف شود، صحیح نیست؛ زیرا این کار مختصر کردن فعل و آوردن معمول بدون عامل است.

۳- انگیزه‌ی بلاغی در حذف مسند وجود داشته باشد، و آن شرط بلاغت است؛ همان طور که وجود قرنیه شرطی صحیح بودن حذف مسند است.

۴- با حذف مسند در مقصود و هدف اشکالی پیش نیاید؛ زیرا گاهی لفظ رکن نیست اما در عین حال به واسطه حذف آن در مقصود و هدف اشکال پیش می آید، تا چه رسد به مسند که رکن است و حتماً حذف آن اشکال در مقصود به وجود می آورد.

۵- عدم ایجاد تعقید معنوی در کلام؛ زیرا همانگونه که در بحث فصاحت مطلع شدید تعقید معنوی فصاحت کلام را از بین می برد و شخص فصیح حذفی را که موجب تعقید معنوی شود، انجام نمی دهد.

الف) وجود قرنیة حالیه، مقالیه یا صناعیه

ب) حذف مسند موجب کوتاه شدن کلام مختصر نشود

ج) وجود انگیزه های بلاغی در حذف مسند

د) عدم ایجاد اشکال در مقصود

ه) عدم ایجاد تعقید معنوی در کلام

شرایط جواز حذف مسند

SCO۱:۱۳:۱۲

<sup>۱</sup> نحل، ۳۰.

<sup>۲</sup> احزاب، ۴۰.

<sup>۳</sup> توبه، ۶.

ب- مواردی که مسند زیاد حذف می شود:

۱. حذف فعل مفسر؛ مثل «قُلْ لَّوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ»<sup>۱</sup> که در اصل «لو تملکون» بوده است، و چون فعل حذف شده است ضمیر منفصل آمده است. زمخشری و ابوالبقاء و اهل بیان این را گفته‌اند، و به زودی هدف و انگیزه‌ی آن خواهد آمد.

۲- حذف فعل در جواب استفهام؛ مثل «وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ»<sup>۲</sup> یعنی «لیقولنَّ خلقهنَّ الله».

۳- حذف ماده «قول»، که از موارد دیگر بیشتر اتفاق می‌افتد؛ مثل «وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ»<sup>۳</sup> سلامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»<sup>۴</sup> یعنی «قالوا: سلام عليكم» و مثل «يَوْمَ يَحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ»<sup>۵</sup>.

### ج) انگیزه‌های حذف مسند و علت‌های آن

تحقیق بسیاری از انگیزه‌ها در بیان انگیزه‌ای حذف مسندالیه گذشت. بعضی دیگر از این موارد به شرح زیر است:

۱. جلوگیری از طولانی شدن کلام؛ این مورد در جایی است که محذوف معلوم و حذف متعارف باشد؛ مثل حذف خبر در سخن خدای متعال که فرمود: «وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا»<sup>۶</sup> در این آیه خبر محذوف است و تقدیر آن «لولا فضل الله حاضر» است.

ابوالبقا گفته است: حذف کردن خبر لازم است به خاطر این که خبر معلوم است و با آمدن جواب لولا، کلام طولانی است.

۲. تقویت اسناد و استوار نمودن آن در ذهن؛ و این در مواردی است که دلیل بر حذف، سؤال مقدر و اعراب است؛ مثل قرائت «شعبه» در آیه ۳۶ سوره نور که آن را به صورت «يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ»<sup>۶</sup> قرائت کرده است. لذا در صورتی که باء در «يُسَبِّحُ» مفتوح باشد و مجهول خوانده شود گوی گفته شده است: «مَنْ يُسَبِّحُهُ» پس جواب داده شود: «يُسَبِّحُهُ رِجَالٌ» پس مسند حذف شده و اعراب «يُسَبِّحُ» دلیل بر سؤال و جواب است.

۳. هم شکل کردن لفظ ومعنا؛ مثل آنچه در تفسیر «البرهان» آمده است که در «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فعل با فاعلش حذف شده است؛ زیرا هدف از ذکر «بسمله» این است که غیر از ذکر «الله» چیزی مقدم نشود؛ پس اگر عامل یعنی فعل ذکر شود در حالی که فعل هم بی نیاز از فاعلش نیست پس مقصود و هدف را نقض می نماید

<sup>۱</sup> اسراء، ۱۰۰.

<sup>۲</sup> زمر، ۳۸.

<sup>۳</sup> رعد، ۲۴.

<sup>۴</sup> توبه، ۳۵.

<sup>۵</sup> نور، ۲۱.

<sup>۶</sup> نور، ۳۶.

یعنی قبل از ذکر الله، فعل و فاعل می آید. ولی با حذف نمودن آن، هم شکلی لفظ و معنا پدید می آید یعنی در لفظ «بسم الله» مقدم است و در معنا نیز «الله» آمده است. به همین دلیل فعل بعد از «بسمله» مقدّر می شود. این مطلب در «البرهان» آمده است.

(الف) حذف فعلی که تفسیر شده است

(ب) حذف فعل در جواب استفهام

(ج) حذف ماده «قول».

مواردی که مسح زیاد حذف می شود

(الف) جلو گیری از طولانی شدن کلام

(ب) تقویت اسناد و استوار نمودن آن در ذهن

(ج) هم شکل کردن لفظ و معنا.

بعضی از انگیزه های حذف مسند

## تمرین

در آیات زیر محذوف را مشخص نموده و علت حذف را بیان کنید:

۱. «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعِدَ الْمُقِيمُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أَكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ»<sup>۱</sup>

۲. «وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَأَخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ»<sup>۲</sup>

۳. «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ»<sup>۳</sup>

۴. «فَإِنْ أَحْصَرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ»<sup>۴</sup>

۵. «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ»<sup>۵</sup>

Scor: ۲۳:۱۳

<sup>۱</sup> رعد، ۳۵.

<sup>۲</sup> سبأ، ۵۱.

<sup>۳</sup> بقره، ۱۸۵.

<sup>۴</sup> بقره، ۱۹۶.

<sup>۵</sup> بقره، ۲۸۰.

## چکیده

۱. شرایط جواز حذف مسند عبارتند از: الف) وجود قرینه‌ی حالیه، مقالیه یا صناعیه؛ ب) حذف مسند موجب کوتاه شدن کلام مختصر نشود؛ ج) وجود انگیزه‌های بلاغی در حذف مسند؛ د) عدم ایجاد اشکال در مقصود؛ ه) عدم ایجاد تعقید معنوی در کلام.
۲. قرینه‌ی صناعیه را نحوی‌ها با توجه به قواعد نحوی و ترکیب جمله می‌شناسند؛ مانند جایی که خبر بدون مبتدا، مبتدا بدون خبر، شرط بدون جزا، جزا بدون شرط، معطوف بدون معطوف علیه، یا معمول بدون عامل آمده باشد.
۳. مواردی که مسند زیاد حذف می‌شود عبارتند از: الف) حذف فعلی که تفسیر شده است؛ ب) حذف فعل در جواب استفهام؛ ج) حذف ماده‌ی «قول».
۴. حذف مسند انگیزه‌های مختلفی دارد که بسیاری از آنها هنگام بیان انگیزه‌های مسندالیه بیان شد و بقیه عبارتند از: الف) جلوگیری از طولانی شدن کلام؛ ب) تقویت اسناد و استوار نمودن آن در ذهن ج) هم شکل کردن لفظ و معنا.